



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

کارشناسی ارشد فلسفه و کلام (گرایش کلام اسلامی)

بررسی رابطه عقل و دین از دیدگاه فیض کاشانی و علامه طباطبایی

استاد راهنما

دکترسید مرتضی حسینی شاهرودی

استاد مشاور

دکترعباس جوارشکیان

حسن عفتی نصرآبادی

شهریور ۹۱



صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه آقای حسن عفتی نصرآبادی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی گرایش کلام اسلامی در ساعت ۱۰ روز دوشنبه ۹۱/۶/۲۰ در محل سالن شورا دانشکده الهیات با حضور امضا کنندگان ذیل تشکیل گردید. پس از بررسی های لازم، هیأت داوران پایان نامه نامبرده را با نمره به عدد به حروف و با درجه مورد تأیید قرار داد / نداد.

عنوان رساله

بررسی رابطه عقل و دین از دیدگاه فیض کاشانی و علامه طباطبائی

امضا

هیئت داوران

• داور: دکتر اعظم ایرجی نیا

استادیار گروه فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد

• داور و نماینده تحصیلات تکمیلی: آقای حسینی شریف

استادیار گروه فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد

• استاد راهنما: دکتر سیدمرتضی حسینی شاهرودی

• دانشیار گروه فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد

• استاد مشاور: دکتر عباس جوارشکیان

استادیار گروه فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد

• مدیر گروه: دکتر محمد کاظم علمی سولاء

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد

تقدیم به روح بزرگ فیلسوف، عارف، فقیه،

و احیاگر بزرگ معاصر

علامه سید محمدحسین طباطبائی

و ملامحسن فیض کاشانی

بسم الله الرحمن الرحيم

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

پس از حمد و سپاس بی پایان به درگاه ذات احدیت و درود بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) و ائمه اطهار (علیم السلام) از اساتید گرانقدر جناب آقای:

دکتر سید مرتضی حسینی شاهرودی (استاد راهنما)

و

دکتر عباس جوارشکیان (استاد مشاور)

که در طول تحقیق، اینجانب را از ارشادات ارزنده خود بهره مند ساختند
کمال تشکر را دارم.

چکیده

رابطه عقل و دین از موضوعات بسیار مهم و چالش‌زا در عرصه دین پژوهشی است. در نگاه علامه و فیض کاشانی عقل جایگاه بسیار مهم و اساسی در حوزه معرفت دینی دارد و به عنوان شریف‌ترین موجود مطرح است. فیض کاشانی ارزش و اهمیت عقل را به عنوان اولین مخلوق خداوند می‌داند و معتقد است عقل در حکم چراغ است و شرع به منزله روغن یا نفت است که سبب روشنایی آن است، و تا زمانی که نفت وجود نداشته باشد چراغ روشن نمی‌شود، و مادام که چراغ نباشد نفت روشنایی ندارد. از سویی علامه طباطبایی هم اعتبار و اصالت دین و معارف دینی و ادله حجج شرعی را بر پایه عقل استوار می‌داند و به همین دلیل می‌گوید که هرگز معقول نیست که دین به بی‌اعتباری عقل و احکام قطعی عقل حکم صادر کند. نتیجه اینکه علامه طباطبایی و فیض کاشانی اعتقاد دارند که عقل و دین با همدیگر سازگاری و هماهنگی دارند و امکان تعارض میان گزاره‌های عقلی و آموزه‌های دینی منتفی است. بنابراین به عقیده این دو دانشمند گزاره‌های دینی یا عقل‌پذیر هستند یا عقل‌گریز که در هر صورت هیچ کدام به معنای نفی عقل و تعارض با آن نخواهد بود همچنین رابطه عقل و دین از نوع عموم و خصوص من وجه است. بنابراین، عقل و دین در مواردی که قلمرو اختصاصی خودشان است هرگز به وسیله دیگری مورد تخطیه قرار نمی‌گیرند و همدیگر را تایید می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: علامه طباطبایی، فیض کاشانی، عقل، دین، تاویل، تخصیص.

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه و کلیات

عنوان	صفحه
۱-۱- مقدمه	۱
۱-۱-۱- تعریف مساله و تبیین موضوع	۴
۱-۱-۲- ضرورت تحقیق و هدف	۴
۱-۱-۳- پرسش‌های اساسی تحقیق	۵
۱-۱-۴- فرضیات	۵
۱-۱-۵- پیشینه تحقیق	۶
۱-۱-۶- روش تحقیق	۶
۱-۲-۱- تعریف لغوی عقل	۶
۱-۲-۲-۱- عقل در اصطلاح فلاسفه	۷
۱-۲-۳-۱- عقل ابزاری	۱۰
۱-۲-۴-۱- عقل از نگاه عرفا	۱۰
۱-۳-۱- معنای لغوی دین	۱۱
۱-۳-۲- تعریف اصطلاحی دین	۱۱

۱۲-۳-۳-۱- تعریف دین از نظر دانشمندان اسلامی معاصر_____

۱۲-۳-۳-۱- آیت الله مصباح یزدی_____

۱۳-۳-۳-۱- آیت الله جوادی آملی_____

۱۳-۳-۳-۱- علامه طباطبایی_____

۱۴-۴-۱- نسبت عقل و دین در اسلام_____

۱۶-۴-۲- نسبت عقل و دین در غرب_____

۱۶-۴-۲-۱- عقل گرای حداکثری_____

۱۷-۴-۲-۱- ایمان گرایی_____

۱۷-۴-۲-۱- ایمان گرای افراطی_____

۱۹-۴-۲-۲- ایمان گرایی معتدل_____

۲۰-۴-۲-۳- عقل گرایی انتقادی_____

فصل دوم: نسبت عقل و دین از دیدگاه فیض کاشانی

۲۳-۲-۱- مقدمه_____

۲۴-۲-۱-۱- تعریف عقل_____

- ۲۵-۲-۱-۲- اهمیت عقل
- ۲۷-۳-۱-۲- اولین مخلوق خداوند
- ۳۱-۴-۱-۲- مراتب عقل
- ۳۳-۵-۱-۲- اقسام عقل
- ۳۵-۱-۲-۲- تعریف دین
- ۳۶-۲-۲-۲- نیاز بشر به دین
- ۳۷-۳-۲-۲- دین و سیاست
- ۳۸-۴-۲-۲- کیفیت تفقه در دین
- ۳۹-۵-۲-۲- دسته بندی علوم دین
- ۴۰-۶-۲-۲- جایگاه فقه در علوم دینی
- ۴۱-۷-۲-۲- ایمان از دیدگاه فیض
- ۴۲-۱-۷-۲-۲- شرایط ایمان
- ۴۳-۲-۷-۲-۲- مراتب ایمان
- ۴۵-۱-۳-۲- نقش عقل در کسب معارف دینی
- ۵۰-۲-۳-۲- نقش عقل در تقویت ایمان و دین
- ۵۱-۳-۳-۲- نسبت عقل و دین
- ۵۳-۱-۳-۳-۲- وابستگی متقابل عقل و شرع

۲-۳-۳-۲- شرافت و حکم عقل کامل بر شرع _____ ۵۴

۲-۳-۳-۳- نسبت علوم عقلی و شرعی. _____ ۵۷

۲-۳-۴- نتیجه _____ ۵۹

فصل سوم : نسبت عقل و دین از دیدگاه علامه طباطبایی

۳-۱- مقدمه _____ ۶۰

۳-۱-۱- کارکرد عقل. _____ ۶۰

۳-۱-۲- مراتب عقل _____ ۶۱

۳-۱-۳- اقسام عقل _____ ۶۲

۳-۱-۴- کارکرد عقل _____ ۶۳

۳-۲-۱- تاریخچه دین _____ ۶۵

۳-۲-۲- فطری بودن دین _____ ۶۶

۳-۲-۳- تعریف دین _____ ۶۸

۳-۲-۴- حقیقت دین _____ ۷۱

۳-۲-۵- تقسیمات دین _____ ۷۲

۳-۳-۱- نسبت عقل و دین _____ ۷۴

۳-۳-۲- عدم تعارض عقل و دین _____ ۸۰

۳-۳-۳- نیاز بشر به دین _____ ۸۱

۳-۳-۴- نتیجه ۸۲

فصل چهارم: تطبیق و مقایسه عقل و دین از دیدگاه فیض کاشانی و علامه طباطبایی

۴-۱- مقدمه ۸۵

۴-۱-۱- جایگاه عقل در دین از دیدگاه فیض و علامه ۸۵

۴-۱-۲- مقایسه نسبت عقل و دین از دیدگاه فیض و علامه ۸۹

۴-۱-۲-۱- اثبات وجود خدا ۸۹

۴-۱-۲-۲- نبوت ۹۱

۴-۱-۲-۳- معاد ۹۲

۴-۱-۳- مقایسه دیدگاه فیض و علامه ۹۳

فصل پنجم: نتیجه

۵-۱- نتیجه ۹۹

۵-۲- پیشنهادات ۱۰۲

۱۰۳- منابع و ماخذ

۱۰۸- چکیده انگلیسی

فصل اول :

مقدمه و کلیات

۱-۱- مقدمه

عقل یکی از موهبت‌های الهی است که خداوند به بشر ارزانی داشته است تا از آن برای رسیدن به کمال بهره‌گیرد ولی برخی مکاتب و ایدئولوژی‌های دست بشر در راه عقل بسته و آن را به عنوان خط قرمزی که بشریت اجازه عبور ندارند معرفی کرده‌اند برخی دیگر چنان به عقل میدان داده‌اند که راه سعادت بشر تنها از طریق عقل محض جویا می‌شوند ولیکن اسلام به عنوان آخرین دین الهی و خاتم ادیان در برخورد با عقل راه دیگری را پیموده است. عقل را مورد توجه قرار داده است و یکی از راههای رسیدن به خداوند استفاده از عقل و به خدمت گرفتن آن معرفی کرده است. خداوند در قرآن آیات زیادی در مورد به کارگیری عقل آورده است که به فکر و تدبیر و به کارگیری عقل دعوت نموده است تا اینکه حق را اثبات و باطل را ابطال کند.

با بررسی آیات قرآن حضور دین در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی حیات انسان ضروری می‌نماید و اینکه بدون اصول و قوانین دینی، حیات فرد و جامعه مورد قبول پروردگار نخواهد بود. دین در حیات فردی به شناخت و اعتقاد فرد نظر دارد که باید بر اساس توحید باشد و سپس در مرحله عمل راهکار ارایه می‌کند جهت تولید عمل و در حیات اجتماعی بر اساس قوانین دینی باید اختلاف‌ها کنار گذاشته شده و طبق قوانین دینی جامعه اداره گردد و اصلاً دین برای رفع اختلاف آمده است و البته این همه با حفظ جایگاه عقل بوده چنین نیست که یافته‌های عقل مقابل دین قرار بگیرد. وقتی انسان با پدیده‌هایی مانند جنگ، مرگ، فقر، رنج و ... روبرو می‌شود در اندیشه فرو می‌رود و یک عده سوالات اساسی را درباره هویت خود مطرح می‌کند که من کیستم؟

از کجا آمده‌ام؟ مقصدم کجاست؟ وظیفه‌ام چیست و.. و آنگاه برای یافتن پرسش‌های خود به دین و عقل روی می‌آورد و در این راه عقل و دین پاسخ‌گو هستند و در حقیقت پاسخ هر دو یکی است. به همین جهت برخی از بزرگان شریعت را عقل خارجی و عقل را شریعت داخلی معرفی کرده‌اند. برخی از اندیشمندان عقل را به چشم و شرع را به شعاع تشبیه کرده‌اند، یعنی اگر شعاع بیرونی وجود نداشته باشد چشم نمی‌تواند اشیا را ببیند، چنانکه اگر چشم وجود نداشته باشد شعاع رویت نخواهد شد. همچنین عقل را به چراغ و شرع را به نفت که در چراغ ریخته می‌شود تشبیه کرده‌اند این اشخاص معتقدند که عقل جز از طریق شرع به گوهر مقصود راه نمی‌یابد چنانکه شرع نیز جز از طریق عقل قابل تبیین نیست.

کسانی دیگر معتقدند که اعتبار دین و ادله شرعی هم بر عقل استوار است به همین دلیل نمی‌توانیم بگوییم که دین احکام عقل قطعی را بی‌اعتبار می‌کند.

این نظریه توفیقی از سوی کسانی مطرح می‌شود که جمع میان عقل و شریعت را وجهه همت خویش ساخته و در این راه از هیچ‌گونه کوششی دریغ نکرده‌اند. علامه طباطبایی و فیض کاشانی از جمله فیلسوفانی هستند که در راه توفیق عقل و دین گام‌های بلندی برداشته‌اند. ما در این تحقیق برآن هستیم نظریات هر یک از فیلسوفان نام برده را تا جایی که مربوط به مناسبات عقل و دین است در حد وسع خود از نظر بگذرانیم و نظرات آنها را در این مورد از آثار آنها استنباط کنیم.

هر یک از این متفکران تعریفی از عقل ارائه داده‌اند که هم بیانگر روحیه حقیقت‌جویی آنهاست و هم پایبندی آنها به دین. در تاریخ علمی و فرهنگی اسلام یکی از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین مسایل

رابطه عقل و دین است در این تحقیق چنانچه گفتیم بر آنیم این مساله را از دیدگاه کاشانی و علامه طباطبایی بررسی کنیم. نخست بحثی درباره معنای عقل، معنای دین، و آنگاه نگاهی به نسبت عقل و دین در اسلام و غرب و سپس نسبت عقل و دین از دیدگاه این دو متفکر سخن خواهیم گفت و دیدگاه هر یک را در مورد بحث عقل و دین بررسی می‌کنیم.

۱-۱-۱- تعریف مساله و تبیین موضوع

عقل و دین دو موهبت الهی است و نعمت گرانبهای الهی برای بشریت هستند اقبال به یکی و ادبار از دیگری و جدا انگاری میان آنها پی‌آمدهای خسارت بار و جبران ناپذیری را به دنبال دارد. تکیه بر عقل صرف و پرهیز از دین باعث طغیان شدن انسان و بی‌مهاری شدن نفس می‌شود.

دین نیز فارغ از عقل یا گرفتار نفهمی می‌شود و یا در انواع خرافه‌ها و تحریف‌ها آلوده می‌گردد و در نهایت در تحجر و تعصبی گرفتار می‌شود. بنابراین دفاع معقول از دین تنها طریق صحیح است که هم‌نشینی و تعاون دو خورشید الهی را می‌طلبد. در این رساله دیدگاه علامه طباطبایی و فیض کاشانی در مورد نسبت عقل و دین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۲- ضرورت تحقیق و هدف

اگر عقل و دین در عرض هم باشند نتیجه طبیعی و منطقی آن این است که معرفت نسبت به دین زمانی شکل می‌گیرد که همه منابع معرفتی در کنار هم و با هم لحاظ شوند. ولی اگر این گونه نباشند و در عرض هم نباشند، نتیجه طبیعی آن حاکم بودن یکی از آن دو خواهد بود در هر

صورت تعارض عقل و دین با این نگاه سخن ناصوابی است و این مهم ضرورت این تحقیق را دو چندان می‌کند.

۱-۱-۳- پرسش‌های اساسی تحقیق

مفهوم عقل و دین از نظر این دو متفکر چیست؟

نوع رابطه عقل و دین از نظر این دو متفکر چیست؟

تعارض عقل و دین از نظر این دو متفکر و راههای رفع آن کدامند؟

۱-۱-۴- فرضیات

عقل از نظر علامه طباطبایی طریق تفکر صحیح و ادراک عقلی مقبول تعالیم اسلامی و استفاده از استدلال و برهان است و از نظر فیض قوه درک کننده می‌باشد. همچنین دین از نظر علامه عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی است که پیامبران از طرف خداوند برای هدایت بشر آورده‌اند، از نظر فیض نیز همین‌گونه می‌باشد دستوری الهی که خداوند به دست رسولان و اوصیای معصوم بر بندگان خود نازل کرده تا به عمل به آن به سعادت ابدی نایل شوند.

علامه طباطبایی امکان تعارض ظاهری بین عقل و دین را می‌پذیرند و سعی می‌کنند تعارض‌های مطرح شده و متضاد عقل و دین را از طریق تصرف در آیات قرآن، یا رد تضمینی نبودن مسایل عقلی سعی در رفع تعارضات پیش آمده عقل و دین دارد، فیض در مقام تعارض عقل و شرع

پیروی از عقل کامل را که مختص انبیا است مقدم بر شرع می‌داند و معتقد است کسی که از عقل کامل بی‌بهره است باید شرع را که قایم به عقل کامل است مقدم بدارد.

۱-۱-۵- پیشینه تحقیق

در زمینه جایگاه عقل در دین مقاله‌ای تحت عنوان «عقل در دین‌شناسی از دیدگاه علامه و اقتضائات» کار شده است.

در زمینه نسبت عقل و دین مقالاتی از جمله «نسبت عقل و دین» در مجله «فلسفه، کلام، عرفان»، شماره ۱۴۷ از عباس نیکزاد چاپ شده است.

در زمینه ارتباط عقل و دین نیز پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی ارتباط عقل و دین در آیات قرآن و حدیث» از ذبیح الله اسماعیلی ارائه شده است.

۱-۱-۶- روش تحقیق: کتابخانه و منابع اسنادی

۱-۲-۱- تعریف لغوی عقل

واژه عقل مشترک لفظی و دارای معانی متعددی است که بعضی از آنها از نظر معنا به مفهوم متداول آن نزدیکند، ولی به نظر می‌رسد برخی دیگر ارتباطی با آنچه اکنون از عقل مراد می‌شود ندارند. با این حال دانستن این موارد برای اصحاب بینش، جهت درک علل نامگذاری عقل بدین شکل مفید باشد عقل به معانی زیر به کار رفته است. عقل، به معنای امساک، و نگه‌داشتن است و

به همین دلیل عقل شتر را عقل می‌گویند، همچنین به قوایی گفته می‌شود که آماده پذیرش علم و دانش است و گاهی نیز به دانشی که به وسیله همین قوه به دست آمده می‌گویند.^۱

در لسان العرب آمده است عقل به این سبب عقل نامیده می‌شود که صاحبش را از گرفتار شدن در مهالک باز می‌دارد و گفته شده است عقل مشخصه‌ای است که به وسیله آن انسان از سایر حیوانات ممتاز می‌شود.^۲

ابن فارس در مورد عقل می‌گوید عقل یک اصل دارد و عظمت آن دلالت دارد در بازداشتن وضعش از چیزی. به همین سبب عقل بازدارنده زشتی‌ها در قول و فکر است.^۳ جوهری در صحاح آورده است عقل مترادف حجر و نهی است، همچنین عقل به معنای دیه است و از قول اصمعی می‌نویسد: به این دلیل عقل را دیه گویند که در پیشگاه ولی دم و سرپرست مقتول بسته می‌شود و در کثرت استعمال لفظ "عقلت المقتول" یعنی دیه مقتول را پرداختم رواج یافته است و همچنین لفظ عقل به معنی دژ و پناهگاه نیز به کار رفته است.^۴

آنچه از معنای لغوی عقل برداشت می‌شود، امساک و جلوگیری از زوال و پراکندگی و ایجاد رابطه میان مدرکات جزئی و پراکنده است، زیرا این مدرکات به وسیله عقل جمع آوری می‌شوند و با تدبیر و حمایت میان آنها عملیات معرفتی صورت می‌گیرد و به‌طور فعال در مسیر شناخت‌های بعدی قرار می‌گیرند.

۱. راغب، اصفهانی، مفردات فی الفاظ قرآن، ص ۵۷

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۵۹

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۷۰

۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح، ج ۵، ص ۶۹

۱-۲-۲- عقل در اصطلاح فلاسفه

عقل در اصطلاح فلاسفه اسلامی در معانی مختلفی به کار رفته است. ملاصدرا در شرح اصول کافی معانی مختلفی برای عقل آورده است و اطلاق لفظ عقل در این صورت به اشتراک معنوی است. او در تعریفی جامع می‌گوید: عقل به غریزه‌ای گفته می‌شود که به واسطه آن، انسان از سایر حیوانات جدا می‌شود. این تعریف بین شخص هوشیار و کودن تفاوتی قایل نمی‌شود، انسان‌ها این غریزه را دارند و با همین غریزه عقلانی است که از صفت حیوان ممتاز می‌شوند.^۱ به طور کلی عقل در اصطلاح فلاسفه در دو معنا به کار برده شده و مورد بحث قرار گرفته است. ۱- موجود مجرد، به معنای جوهر مستقل بالذات بالفعل است که پایه و اساس عام آفرینش و واسطه فیض به جهان طبیعت است که از آن به صادر اول تعبیر می‌شود.^۲

۲- قوه ادراکی، قوه‌ای که همه انسان‌ها از آن برخوردارند و فصل ممیز انسان از حیوانات است، به این دلیل عقل یکی از مراتب نفس انسانی محسوب می‌شود که با آن متحد است و ادراک معقولات توسط این قوه است، این عقل در مراتب وجود نام‌های مختلفی به خود گرفته است که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

۱- عقل هیولانی، در این مرتبه نفس عاری از تمام صور علمیه است و علت نامگذاری آن به هیولا همین است که هیچ‌گونه فعلیتی در آن نیست.

۱. شیرازی، ملاصدرا، شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۳

۲. فخری، ماجد، سیر فلسفه در جهان اسلام، ص ۱۳۶

۲- عقل بالملکه: این مرحله از عقل به مرتبه‌ای گفته می‌شود که نفس واجد معلومات بدیهی است و مستعد پذیرش سایر معقولات است.

۳- عقل بالفعل: در این مرحله تمام صور علمیه برای نفس حاصل است و توان استنتاج مسایل نظری از بدیهیات را دارد.

۴- عقل بالمستفاد: مرتبه‌ای از نفس که تمام معلومات بدیهی و نظری از طریق علم حضوری و حصولی برای نفس حاصل است، نفس در این مرتبه به خاطر اتصالش به عقل فعال آن چه را که عقل فعال به آن محیط است برای او نیز حاصل است.^۱

عقل عملی: این مرتبه از عقل در مقابل عقل نظری قرار دارد که مدرک جزئیات در امور خیر و شر است. این مرتبه از عقل همانند عقل نظری دارای مراتبی است که عبارتند از: ۱- تخلیه ۲- تخلیه ۳- تجلیه ۴- فنای فی الله.^۲

یکی دیگر از تقسیمات عقل که بیان دیگری از مراتب عقل نظری می‌باشد تقسم عقل به شهودی و کلی در برابر جزئی و استدلالی می‌باشد.

۱- عقل کلی یا شهودی: مرتبه‌ای از عقل فعال که انسان به واسطه آن حقایق و مفاهیم کلی را مشاهده می‌کند. نوع متعالی عقل شهودی عقل قدسی است که صاحب آن ارتباط مستقیم و حضوری با حقایق عقلی دارد، حقایقی که دیگران با روش‌های برهانی کسب می‌کنند به‌طور مستقیم درک می‌کند. عقل قدسی همان مرحله عقل مستفاد است.

۱. ابن سینا؛ اشارات و تنبیهات، ج ۲، ص ۳۵۳

۲. شیرازی، ملاصدرا، اسفار اربعه، ج ۷، ص ۴۱۸

۲- عقل جزیی: در برابر عقل شهودی و کلی، عقل جزیی قرار دارد متعلق این عقل امور جزیی و محسوس می‌باشد.^۱

۱-۲-۳- عقل ابزاری

از دیگر معانی که برای عقل در نظر گرفته شده است عقل ابزاری است. هدف اصلی این عقل تسلط آدمی بر طبیعت می‌باشد، این مرتبه از عقل نسبت به ارزش‌ها کاملاً خنثی است و از خوب و بد سخن نمی‌گوید.^۲

۱-۲-۴- عقل از نگاه عرفا

اصطلاح عقل در عرفان نیز به کار برده شده است. عرفا عقل را به دو قسمت کرده‌اند. ۱- عقل معاش که در سر انسان جای دارد که قوه تفکر و تعقل و شناخت است و عقل معاد محل آن دل است و محرک انسان برای عبادت، بندگی، ریاضت و در نهایت کشف و شهود است. عقل معاش محاسبه دنیوی دارد ولی عقل معاد به دنبال تأمین سعادت و تکمیل مقام اخرت است و انگیزه آن کنترل و اعتدال بخشی امیال و شهوات برای رسیدن به بهترین مقامات اخروی است.^۳

همان‌طور که ملاحظه می‌شود عقل دارای معانی و مراتب گوناگونی است که برخی از مفاهیم و اصطلاحاتی که در این واژه وجود دارد بیان شد. آنچه در رابطه عقل و دین مهم می‌باشد توجه به

۳. بهمن پور، محمد سعید، فراز و نشیب عقلانیت، ص ۱۴۲

۱. پارسانیا، حمید، «از عقل قدسی تا عقل ابزاری» بازتاب اندیشه، شماره ۶۶، ۱۳۸۴، ص ۸۶

۲. خداپاری، علی‌نقی، سرچشمه حکمت، ص ۱۶۱